

ترجمه عنوان آخرین اثر هانا آرنت

ذکاء مجنون

شامگاه چهارم دسامبر ۱۹۷۵، هانا آرنت، نشسته در برابر برگ‌های سفید کاغذ، درگذشت. او در آن ایام مشغول نوشتن بخش سوم کتابی بود که سه سال بعد، به اهتمام و ویرایش مری مک کارتی، نویسنده آمریکایی و همدم روحی‌اش، به چاپ رسید، با عنوان *The Life of Mind*.^۱ موضوع این نوشتار ترجمه فارسی این عنوان است. این عنوان در فارسی معمولاً *حیات ذهن* ترجمه شده است. نوشتار حاضر از شواهدی یاد می‌کند که دقت معادل *حیات ذهن* را به پرسش می‌گیرند و به جای آن *حیات روح* را در فارسی به مراد مؤلف نزدیک‌تر می‌یابد.

کلنجر مهاجری با زبان انگلیسی

زبان مادری هانا آرنت آلمانی بود. به رغم الزام برنامه آموزشی به فراگیری زبان انگلیسی همچون زبان دوم، آرنت نوجوان در آموختن این زبان رغبت چندانی نشان نداد. در خانه، غرولندهای مارتا، مادرش، هم بیشتر دلش را از خواندن انگلیسی می‌زد. سال‌ها بعد، ظهور نازیسم در وطن و بحران فراگیر سیاسی در اروپا وی را واداشت که با همسر و مادرش به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کند. هانا و همسرش، هاینریش بلوخر، در سال ۱۹۴۱ خود را از راه دریا به نیویورک رساندند. اگر آرنت چند کلمه‌ای انگلیسی از دوران مدرسه هنوز به خاطر می‌آورد، هاینریش همان را هم نمی‌دانست. هاینریش نه تنها انگلیسی نمی‌دانست که در برابر یادگیری آن مقاومت نیز نشان می‌داد. «چقدر بهت گفتم در مدرسه انگلیسی بخوان»: صدای ملامت مادرش مدام در سرش تکرار می‌شد و حوصله آرنت سی و پنج ساله را تنگ‌تر می‌کرد. هانا دریافت که زندگی خانواده در غربت

به زبان آموزی وی وابسته است، ولی باید در این راه تنها روی سعی خود حساب کند. آرنت، جدا از آلمانی، یونانی، لاتین و فرانسه را نیز به خوبی می‌دانست. با مهارتی که از یادگیری آنها آموخته بود، به ویژه در خواندن به انگلیسی به پیشرفتی قابل قبول نائل آمد. کم‌کم، در حد رفع نیازهایی مانند یافتن کار در دانشگاه و مراکز انتشاراتی، بر زبان جامعه میزبان، تسلط یافت. با این همه، تا آخر عمر، انگلیسی را شمرده، با هیبتی استادانه و با لهجه سنگین آلمانی حرف می‌زد.

انگلیسی برای آرنت همچنان سرزمینی بیگانه باقی ماند. نثر آلمانی آرنت پرورده و پخته و حافظه‌اش سرشار از قطعات و کلمات ادبی و فلسفی بود و هنگام نوشتن خود را با انبوهی از متن‌های درخشان و الهام‌بخش در پیوند می‌دید. او این رابطه میان متنی را با زبان انگلیسی نداشت و نوشتن را به این زبان هرگز به آسانی آلمانی نیافت. او به زبان مادری‌اش تعلق عاطفی می‌ورزید و برای این دل‌بستگی دلیل فلسفی و وجهی وجودی قائل بود. آلمان نازی آرنت را مانند هزارانی دیگر، با خاطره وحشت و محنت، از این کشور راند، ولی آرنت کوشید حساب زبان آلمانی را با مردم جفاکاری که بدان سخن می‌گفتند یکی نداند. بدین‌سان، این یهودی مطرود، در حرمان از زادبوم‌اش، زبان آلمانی را به جای خاک آن، چونان وطنی مألوف برگزید. شیفتگی بدین زبان در سراسر سال‌های اقامت در آمریکا ادامه یافت، بخش زیادی از یادداشت‌هایش را به آلمانی برمی‌داشت، به این زبان شعر می‌گفت، جستار می‌نوشت و رابطه‌اش را با هم‌زبانان مهاجر و مقیم تنگاتنگ می‌خواست.^۲

بار مشقتی که آرنت در نوشتن به انگلیسی به دوش می‌کشید، از سرعت کارش می‌کاست. در نتیجه، بسیاری از مواقع، ناچار و ناخشنود، دست به دامان منشی‌اش می‌شد. آرنت گاه برخی نوشته‌هایش را اول به صورت آلمانی بر منشی‌اش املاء می‌کرد تا منشی آمریکایی گفته‌های او را به انگلیسی بنویسد. این استاد اندیشه سیاسی با بودن در حلقه روشنفکران نیویورک، از بخت داشتن دوستانی سخن‌سنج و ادب‌دان چون آدن شاعر و مک‌کارتی نویسنده برخوردار شد. این فیلسوف عاشق ادبیات، گاهی برای ویرایش نوشته‌های انگلیسی‌اش از دوستانش کمک

می‌گرفت یا نوشته‌هایش را پیش از چاپ برای آنها می‌خواند. در عوض، او هم به کسانی چون آدن یا رندل جرل آلمانی درس می‌داد یا نوشته‌های آلمانی‌شان را از زیر قلم بازبینی و تصحیح خود می‌گذراند. این تبادل و تعامل، به نحو چشمگیری نثر انگلیسی آرنت را چالاک‌تر ساخت. با این همه، عادت فکرکردن به آلمانی هرگز از سر او نرفت و وسوسه کاربرد عبارات طولانی و جملات پیچیده، و به طور کلی نحو آلمانی، در نوشتن انگلیسی همواره اغواگر او ماند. در پیچیدن با زبان گاهی آنقدر رمقش را می‌گرفت و عرقش را می‌ریخت که برخی بخش‌ها یا فصل‌های یک کتاب را نخست به آلمانی می‌نوشت و از دانشجو یا دستیار می‌خواست که آن را به انگلیسی برگرداند یا آنچه به انگلیسی شکسته نوشته «انگلیسی کند». در غیر این صورت، چه بسا حاصل کار نثری ناهمدست و دشوارفهم از آب درمی‌آمد. برای مثال، خوانندگان **خاستگاه‌های توتالیتاریسم**^۳ (۱۹۵۱)، اثری تاریخی-سیاسی و کمابیش فارغ از محتوا و مصطلحات فنی فلسفی، را متنی منسجم و کمابیش روان می‌یابند، ولی در مورد وضعیت انسان (۱۹۵۸)، چه بسا فلسفی‌ترین اثر او، به نثری ناهمواری و پُرگره برمی‌خورند. گرهارد بروئر در کتاب **مشکل با خواندن هانا آرنت به انگلیسی: چگونه ترجمه ضعیف می‌تواند خوانش و فهم فلسفه را مخدوش نماید** با مقایسه میان متن انگلیسی وضعیت انسان با برگردان آلمانی‌اش، متن آلمانی را بسی خوش‌خوان‌تر و آسان‌یاب‌تر توصیف می‌کند؛^۴ گرچه این متن بیشتر نوشته یا ویراسته خود آرنت است. آرنت با الهام از افلاطون و ارسطو فعالیت‌های عملی بشر را به سه نوع تقسیم می‌کند: *ponein* (زحمت)، *poiesis* (کار خلاق) و *praxis* (عمل) که در آلمانی با سه واژه *arbeiten*، *herstellen* و *handeln* بیان می‌شوند. آرنت در انگلیسی به ترتیب *work*، *labour* و *action* را در برابر آنها قرار داده است. بروئر تأکید می‌کند که *herstellen* در آلمانی به معنای ساختن است، در حالی که آرنت به جای *making* آن را به *work* برگردانده و بدین‌گونه، در همان آغاز کتاب، زمینه را برای سوءفهم خواننده یا سرگردانی وی فراهم نموده است. به گمان بروئر، غموض و حتی اغلاط نثر انگلیسی این کتاب، از یک سو سبب

بی‌اعتنایی اولیه محافل دانشگاهی گردید و از سوی دیگر، در تمرکز و توجه بسیاری خوانندگان متن اخلاص آفرینی می‌کرد. البته در این میان ناقدانی نیز «غرابت سبکی» و «نوآوری معنایی» این اثر را ستودند! بروئر وضعیت انسان را اثری می‌خواند که در ظاهر به انگلیسی نوشته شده، ولی به واقع، محصول «خودبرگردانی ذهنی وارونه» (reverse-mental-self-translation) است. در «برگردان وارونه» یا «ترجمه معکوس» به جای آن که تأکید بر زبان مقصد باشد و مترجم متن را «ترجمه به» زبانی دیگر نماید، توجه بر زبان مبدأ متمرکز است، چون وی در کار «ترجمه از» زبان (مادری) است. مترجمان حرفه‌ای معمولاً از زبان بیگانه به زبان مادری ترجمه می‌کنند، ولی با جابه‌جایی‌های گسترده انسانی در دنیای امروز، از جهان‌گردان گرفته تا بازرگانان، بسیاری از مردم به طور روزمره در حال ترجمه معکوس، یعنی ترجمه از زبان خود به زبان‌های دیگرند. از دید بروئر، خواننده انگلیسی‌زبان، بدون آگاهی از موضوع ترجمه معکوس در آثار آرنت و دردسرها و دشواری‌های زاده از آن، خود را در برابر «متن اصلی» اثر آرنت می‌پندارد و در نتیجه، در حل بفرنج‌های متن یا به تأویل‌های نادرست پناه می‌برد، یا از فهم بسیاری ظرائف و دقائق اندیشه آرنت بازمی‌ماند.

Geist آلمانی و Mind انگلیسی: برابری‌ها و نابرابری‌ها

به ویژه ایده آلیسم آلمانی و طرح فکری فیلسوفان اثرگذاری چون هگل، خالق پدیدارشناسی روح، واژه آلمانی «گایست» (geist) را به اصطلاحی کلیدی در فلسفه بدل ساخت. حساسیت زبانی فلسفی در زبان انگلیسی امروزه چندان بالاست که مترجمان در برگردان بسیاری از آثار به این زبان، کاربست geist را به همین صورت آلمانی وفادارانه‌تر می‌یابند تا ترجمه آن به معادل‌های انگلیسی. توجه انگلیسی‌زبانان به بار معناشناختی این واژه آن‌ها را ترغیب می‌کند که حتی تعابیر غیرفنی فراوانی چون geistzeit – به معنای «روح زمانه» – را نیز به همان شکل آلمانی به کار برند.

در ترجمه فلسفه آلمانی به زبان انگلیسی، نخست در برابر geist معادل mind

را (که در فارسی «ذهن» برگردان اول آن است) قرار می‌دادند. این امر دلائل چندی داشت. یکی آن که بر خلاف معادل فارسی، mind علاوه بر نیرویی که انسان با آن می‌اندیشد، به معنای آنچه با آن اراده نیز می‌کند هست. معنای دیگر mind عقل (intellect) است. امروزه در انگلیسی وقتی می‌گویند he is out of his mind یعنی «عقل از سرش پریده»، مانند mindless که حواس‌پرت، بی‌تفاوت یا دیوانه معنا می‌دهد. همچنین، mind در عبارت time out of mind به قوه حافظه نیز اشاره می‌کند: زمانی بس دور که مردم خاطره‌ای از آن ندارند. فرق دیگر ذهن با mind آن است که واژه انگلیسی به دو صورت اسم و فعل به کار می‌رود، در حالی که با ذهن فعلی ساخته نمی‌شود. باری از آن‌جا که بر خلاف ذهن، mind در انگلیسی – علاوه بر افاده معنای «عقل» – دلالتی نزدیک به «روح» نیز دارد، انتخاب این واژه به مثابه معادلی برای geist آلمانی چندان هم غلط فاحشی به شمار نمی‌رفته است. از آن مهم‌تر، در ترجمه کتاب مقدس، کاربرد mind به جای روح امری جاافتاده به نظر می‌آید؛ مثلاً واژه mind در آیه *Which were a grief of mind unto Isaac and Rebekah* (سفر پیدایش ۲۶:۳۵ – کتاب مقدس جیمز پادشاه) به روح (spirit) معنا می‌شود: «ایشان مایه اندوه روح اسحاق و رفته بودند». روشن است که این‌جا «ذهن» معنا نمی‌دهد.

مترجمان متقدم آثار آلمانی، از جمله نوشته‌های هگل، انگیزه دیگری نیز برای ترجمه geist به mind داشته‌اند: ایشان خوف آن داشتند که مبدا کاربرد «روح» در برابر geist به سوء فهم از مثلاً فلسفه هگل بینجامد و صبغه‌ای دینی بدان بدهد. آن‌ها برای پرهیز از القای «روحانی» بودن اندیشه فلسفی هگل ترجیح دادند از واژه mind که بار دینی بسیار کمتری دارد بهره بگیرند. در ترجمه اثری از هگل به انگلیسی با عنوان *Hegel's Philosophy of Mind* در اواخر قرن نوزدهم،^۵ برخی کتاب‌گزاران اثر به این نگرانی اشاره کردند؛ از جمله در سال ۱۸۹۵، یک سال پس از انتشار ترجمه انگلیسی، ایس مک‌تاگارت در یادداشتی تأکید کرد که این دغدغه مترجم را «واداشته که Geist را به جای spirit به mind برگرداند. همان‌گونه که خود وی نیز اشاره می‌برد، بی‌شک

«میانگین اذهان انگلیسی کلمه spiritual بار معنایی‌ای دارد که ما را مستقیم به سرزمین دینداری ره می‌نماید». به نوشته او اشکال spirit آن است که «به جای وحدتی که تنها در کثرت وجود دارد و وحدتی است که به خاطر کثرت وجود دارد، بر واقعیتی مستقل، ورای افرادی که آن را ساخته‌اند، دلالت می‌کند. همواره این خطر هست که هگل در راستای تئیسیم (theism) خام یا پانتئیسیم (pantheism) خامی نادرست تأویل شود.» با این همه او، استفاده از mind را هم بدون اشکال و مسدود بر روی بدفهمی ارزیابی نمی‌کند.^۶ با وجود آن که پس از آن، در ترجمه عنوان کتاب هگل، پدیدارشناسی روح، spirit جای mind را گرفت، ولی هم‌چنان برخی مترجمان مانند بالی هنوز از mind استفاده می‌کردند.^۷ ولی از دهه‌های پایانی قرن بیستم به این سو، به دلیل مشکلات فراوانی که کاربرد معادل mind به جای geist در عنوان کتاب هگل برمی‌انگیخت، این گزینه متروک شد. تازه‌ترین ترجمه هگل، در سال ۲۰۱۸، در مجموعه ترجمه‌های کمبریج هگل به دست هگل‌شناس نامی جهان انگلیسی‌زبان، تری پینکارد، با عنوان *The Phenomenology of Spirit* منتشر شد.^۸ در همان سال، ترجمه دیگری از این اثر، ولی با همان عنوان از سوی انتشارات دانشگاه آکسفورد به بازار آمد.^۹ شاید دلیل دیگری که در چنین سیاق‌هایی از واژه mind پرهیز می‌شود، رواج «فلسفه ذهن» (philosophy of mind)، به ویژه از نیمه قرن بیستم به این سو باشد. این فلسفه رویکردی تحلیلی و سویه‌ای ماتریالیستی دارد و از ذهن معنایی کاملاً مادی مراد می‌کند.

روح، عقل یا ذهن؟

بنابر آنچه آمد، بیشتر پس از درگذشت هانا آرنت در سال ۱۹۷۵ بود که سرگردانی درباره کاربرد mind یا spirit در برابر geist به پایان رسید و مترجمان به نفع spirit تصمیم نهایی خود را گرفتند. آرنت در واپسین اثرش، *The Life of Mind* یک‌جا خود mind را به کار برده و در پراکنش اشاره کرده که مرادش geist است.^{۱۰}

آرنت در این اثر همان دل‌مشغولی اصلی را دنبال می‌کند که در نخستین اثر فلسفی‌اش، *وضعیت انسان (۱۹۵۸)*: *کنش و ارتباط آن با اندیشه*. آرنت برای کتاب عنوان *حیات عملی (vita activa)* را برگزیده بود که ناشر آمریکایی، انتشارات دانشگاهی شیکاگو، آن را نپذیرفت و به جای آن عنوان وضعیت انسان را بر روی کتاب گذاشت. *حیات عملی* طی همه سال‌های فعالیت فکری آرنت جان‌مایه اصلی تأمل فلسفی و تعهد سیاسی را می‌ساخت.

حیات عملی و در برابر آن حیات نظری (*vita contemplativa*)، از دید آرنت دو نوع فعالیت متمایز انسانی بودند، حیات عملی، بازیگری و حیات نظری، تماشاگری در صحنه تأثیر جهان است. آن چه چیزی است که دو نوع متفاوت از رویکرد به زندگی را برای آن می‌توان تصور کرد؟ آیا می‌توان گفت «ذهن» انسان دو نوع فعالیت، یکی کنش‌گرانه و دیگری نظرورزانانه، دارد؟ روشن است که کار ذهن به نظرورزی محدود می‌شود؛ کنش‌گری سیاسی کار دیگر جوارح انسانی، به ویژه زبان و گفتار، است. پس برگردان *The Life of Mind* به حیات ذهن نه تنها دقیق که حتی درست هم نمی‌نماید. فعالیت‌های نظری و عملی از اوصاف «روح» انسان – به معنای کاملاً غیردینی و فلسفی آن – است؛ روح می‌اندیشد، اراده و قضاوت می‌کند. پس عنوان این کتاب را که یکبار آرنت آن را «در حکم جلد دوم وضعیت انسان خواند، باید به فارسی *حیات روح* برگرداند نه *حیات ذهن*. روح در این‌جا، با دلالتی هگلی، به معنای آگاهی است و فعالیت‌های عقلانی و قوه‌ها (*faculties* یا *powers*) از یک سو، و ادراک (*perception*) و حس درونی (*internal sense*) از سوی دیگر، از شئون آن به شمار می‌روند.

برگردان آلمانی عنوان کتاب – که یک سال پس از انتشار نسخه‌ای اصلی کتاب به چاپ رسید و نخستین ترجمه آن به زبانی دیگر است – می‌تواند قرینه‌ای بر صحت ادعای این قلم باشد: در آلمانی عنوان کتاب به *از حیات روح* برگردانده شده است، یعنی «از» یادداشت‌هایی که آرنت برای حیات روح آماده کرد.^{۱۱} در فرانسه نیز عنوان کتاب به همین عبارت، یعنی *حیات روح* ترجمه شده است.^{۱۲} باید در نظر داشت که چنان‌که در *فرهنگ ترجمه‌ناپذیرها* به ویراستاری باربارا گسن،

ترجمه عنوان آخرین اثر هانا آرنت ۱۰۹////

فیلسوف زبان فرانسوی، آمده، این زبان فاقد کلمه‌ای است که چون معادل دقیقی برای mind انگلیسی پذیرفته شود. اگر در انگلیسی سه واژه mind, soul و spirit وجود دارد که بسته به سیاق کلام می‌توان آن‌ها را، در معنایی کم و بیش نزدیک به هم به‌جای یکدیگر به کار برد، در زبان فرانسه دو واژه âme و esprit هستند که معادل آنها به‌شمار می‌آیند. در نتیجه، philosophy of mind را در فرانسه philosophie de l'esprit می‌گویند.^{۱۳}

گفتنی است که مترجم عربی کتاب هیچ‌یک از دو معادل «ذهن» و «روح» را برای عنوان عربی آن رسا ندیده و – نظر به اصطلاحاتی چون «عقل نظری» و «عقل عملی» – عبارت حیا العقل را برای این منظور برگزیده است.^{۱۴}

پانوش

^۱ این کتاب به فارسی برگردانده شده است:

هانا آرنت، *حیات ذهن*، ترجمه مسعود علیا، تهران، قفوس، ۱۳۹۴. برای گزارشی تاریخی از تکوین و تدوین کتاب به جستار زندگی‌نگار آرنت، الیزابت یانگ-بروئل بنگرید:

Elisabeth Young-Bruehl, "Reflections on Hannah Arendt's the Life of the Mind" in *Political Theory*, Vol. 10, No. 2 (May, 1982), pp. 277-305

برای شرحی از درون‌مایه کتاب بنگرید به:

Ronald Beiner, "Judging in a World of Appearances: A Commentary on Hannah Arendt's Unwriting Finale" in *Hannah Arendt: Critical Essays*, edited by Lewis P. Hinchman, Sandra K. Hinchman, p. 365

^۲ برای زندگی‌نامه هانا آرنت به نخستین و از نظر تاریخی مهم‌ترین زندگی‌نگاری وی به قلم یکی از شاگردان روانکاوش بنگرید:

Elisabeth Young-Bruehl, *Hannah Arendt: For the Love of the World*, Yale University Press, 1982.

^۳ Hannah Arendt, *The Origins of Totalitarianism*, New York, Schocken, 2004.

الیزابت یانگ-بروئل در جستاری تاریخی تکوین، تدوین و ویرایش‌های گوناگون *خاستگاه‌های توتالیتاریسم* را به دست خود آرنت می‌نویسد: تاریخ تدوین و ویرایش‌های پیاپی آن تاریخی است از نیمه اول قرن بیستم چنان‌که در نیمه دوم آن فهمیده شد. بنگرید به:

- A New History of German Literature*, ed. David E. Wellbery, Harvard University Press, pp. 814-819
- ⁴ Gerhard Brauer, *The Problem with Reading Hannah Arendt in English: How Poor Translation Can Impair the Reading and Understanding of Philosophy*, Germany, VDM, 2008, p. 4
- ⁵ F. Hegel, *Hegel's Philosophy of Mind*, trans. With five introductory essays by William Wallace, Oxford, Clarendon Press, 1894.
- ⁶ Hegel's Philosophy of Mind. by William Wallace, Review by: J. Ellis McTaggart in *International Journal of Ethics*, Vol. 5, No. 3 (Apr., 1895), pp. 393-395
- ⁷ *Phenomenology of Mind*, translated by J. B. Baillie, London: Harper & Row, 1967
- ⁸ G. W. F. Hegel, *The Phenomenology of Spirit*, translated and edited by Terry Pinkard, Cambridge University Press, 2018
- ⁹ G. W. F. Hegel, *The Phenomenology of Spirit*, translated with introduction and commentary by Michael Inwood, Oxford University Press, 2018
- ¹⁰ H. Arendt, *The Life of Mind*, p. 43
- ¹¹ Hannah Arendt, *Vom Leben des Geistes*. Bd. 1: Das Denken. Bd. 2: Das Wollen. Piper, München 1979
- ¹² - *La vie de l'esprit*, traduit par Lucienne Lotringer, Paris, PUF, 2013
- ¹³ *Vocabularies Européen des philosophies*, sous la direction de Barbara Cassin, Paris, Seuil-Le Robert, 2004, p. 67; for English translation see: *Dictionary of Untranslatables: A philosophical Lexicon*, ed. Barbara Cassin, Princeton University Press, 2014, p. 1011.
- ^{١٤} حنة آرنت، *حياة العقل: التفكير، الجزائر، بيروت، أ. نادرة السنوسي، ابن النديم للنشر و التوزيع، دارالروافد الثقافية، ٢٠١٦*
- حنة آرنت، *حياة العقل: الإرادة، الجزائر، بيروت، أ. نادرة السنوسي، ابن النديم للنشر و التوزيع، دارالروافد الثقافية، ٢٠١٧*